

# روش و رویکرد «الإمامة و التبصرة من الحيرة» در

## مسئله مهدویت

جهانگیر علی خان<sup>۱</sup>

### چکیده

تحقیق حاضر متکفل گزارشی توصیفی - تحلیلی از مباحث و روایات کتاب ارزشمند «الإمامة و التبصرة من الحيرة» اثر ابوالحسن علی بن بابویه قمی ۳۲۹ ق والد بزرگوار (شیخ صدوق) است. ویژگی این کتاب آن است که نویسنده در دوره غیبت صغرا می‌زیسته و در این کتاب به بررسی و پاسخ به شبهات برخی از شیعیان در همین دوره پرداخته است. متن کتاب که تلفیقی از مباحث و تحلیل‌های کلامی و بیان نصوص احادیث است نشانه علاقه‌مندی ابن بابویه به تحلیل‌های عقلی و کلامی در مباحث امامت است. کتاب الامامة و التبصرة من الحيرة را در چهار محور کلی ضرورت وجود امام، غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، حکمت انتظار و پاسخ‌گویی به شبهات غیبت می‌توان دسته‌بندی کرد. مؤلف محترم در مقدمه گران‌قدر این کتاب بسیاری از شبهات را پاسخ داده‌اند، به‌ویژه تعارض ظاهری در روایات مهدویت را برطرف کردند و علل انتظار را بررسی نموده‌اند.

### کلیدواژگان

ابن بابویه، الإمامة و التبصرة من الحيرة، امامت، مهدویت، غیبت، انتظار.

---

<sup>۱</sup>. دانش‌پژوه ارشد رشته فقه و اصول، جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.

## مقدمه

تا قبل از زمان علامه مجلسی، مؤلف بحارالانوار، اطلاعی از وجود کتاب «الإمامة و التبصرة من الحيرة» در دست نبود و علامه مجلسی اولین کسی بود که از آن به عنوان مصادر بحار یاد کرد و نسخه‌ای قدیمی از آن در اختیار داشت.<sup>۱</sup> اما محققین بعدی به دو نسخه از این اثر نفیس دست یافته‌اند:

۱- نسخه علامه مجلسی که در رجب المرجب ۱۰۹۷ ق تحریر گشته است. این نسخه در کتابخانه علامه سید محمدعلی روضاتی اصفهانی موجود است.<sup>۲</sup>  
 ۲- نسخه‌ای که محدث بزرگوار شیخ عبدالله بن نورالله البحرانی ضمن یکی از مجلدات موسوعه «عوامل العلوم و المعارف» آورده است. بحرانی یادآور می‌شود که این نسخه از روی نسخه‌ای که به خط خود مصنف نگاشته شده اقتباس و به دقت با آن مقابله گردیده است. این نسخه در مجموعه نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم نگهداری می‌شود.<sup>۳</sup>

نسخه اصلی که این دو نسخه از روی آن تهیه گردیده به خط حسین بن علی بن الحسین الحمیری است که در محرم الحرام سال ۴۷۹ ق کتابت شده است با این تفاوت که نسخه مجلسی ظاهراً بدون واسطه از نسخه حمیری نقل شده ولی نسخه «عوامل» با واسطه<sup>۴</sup>.

موضوع این کتاب در اصل غیبت امام منتظر است همان‌طور که از لفظ «حیره» نیز ظاهر است. این لفظ در دوران مؤلف یک اصطلاح ویژه‌ای بود که بر غیبت دلالت می‌کرد چون غیبت امام باعث حیرت و سردرگمی مؤمنان شده بود و بارزترین سبب تألیف این کتاب توسط مصنف همین امر غیبت و مشکلات ناشی از آن است. ایشان برای پاسخ‌گویی به این مشکلات، اخبار و روایات را جمع کردند و در مقدمه‌ی پرارزش کتاب هم با روش کلامی به این موضوع پرداختند و این‌گونه اشاره نمودند:

«و جمعت أخبارا تكشف الحيرة و تجسم النعمة و تنبئ عن العدد و تؤنس من وحشة طول اللامد»؛ من اخباری را در این کتاب جمع کردم که پرده‌ی حیرت را

۱. ابن بابویه قمی، علی بن الحسین، الامامة و التبصرة من الحيرة، مقدمه مصحح.

۲. همان، الامامة و التبصرة، مقدمه محقق، ص ۹۳ و ۹۴.

۳. همان، ص ۹۴ و ۹۵.

۴. همان، ص ۹۵.

برمی‌دارد، نگرانی را دور می‌کند، از عدد ائمه خبر می‌دهد و در وحشت طولانی شدن مدت (غیبت) موجب انس می‌شود.

شیوه‌ای که مؤلف در این کتاب به کار برده‌اند حدیثی و کلامی است. در مقدمه کتاب شبهات را مطرح کرده و بر پایه‌ی استدلال‌های عقلی به آن پاسخ داده است و مانند یک محدث ماهر احادیث را از طرق مختلف عرضه کرده است. ایشان بدون مقدمه بحث غیبت را آغاز نمی‌کند بلکه آن را ذیل مباحث امامت ذکر نموده است، زیرا غیبت یکی از شاخه‌های مسئله امامت است.

### معرفی مؤلف

علی بن حسین بن موسی بن بابویه مؤلف این کتاب، عالمی برجسته، فقیه گران‌قدر، محدث بزرگوار و متکلم فائق بودند و با توقیع و تجلیل ایشان از طرف امام حسن عسکری علیه السلام و همین‌طور امام عصر علیه السلام به ارزش و اعتبار آثار ایشان افزوده می‌شود؛ کتاب مورد نظر ما یکی از آثار برگزیده همین بزرگوار است. ابوالحسن علی بن بابویه قمی م ۳۲۹ ق والد بزرگوار (شیخ صدوق) است<sup>۱</sup> و در دوران غیبت صغرا می‌زیستند، زمانی که ابتدای آغاز غیبت امام مهدی علیه السلام محسوب می‌شد و یک حالت سرگشتگی و حیرت در میان شیعیان پدید آمده بود. در چنین شرایطی مؤلف کتاب با روش کلامی و حدیثی خود این سنگر فکری را تقویت نمود.

### اهمیت کتاب

«الإمامة و التبصرة» از گنجینه‌های ارزشمندی است که از هجوم حوادث و وقایع شکننده محفوظ مانده و به‌ویژه در موضوع غیبت، قدیمی‌ترین اثری است که در دسترس ما قرار دارد. چراکه مؤلف متوفای سال ۳۲۹ ق است و حال آن‌که آثار مهم دیگری که در موضوع غیبت نگاشته شده و موجود است «الغیبة» نعمانی «کمال‌الدین» شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ ق و نیز شیخ مفید متوفای ۴۱۳ ق و هم‌چنین «الغیبة» سید مرتضی متوفای ۴۳۶ ق و شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ ق است که همگی بعد از عصر ابن بابویه به نگارش درآمده‌اند. نکته دیگری که به اهمیت اثر حاضر می‌افزاید، اشتمال آن بر روایاتی ناب و

۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۲۶۱.

ارزشمند است که در هیچ‌یک از آثار حدیثی موجود، اثری از آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

این کتاب از جهت دیگر نیز حائز اهمیت است و آن اینکه علی‌رغم نقص موجود در آن، کتاب مشتمل بر ۸۷ حدیث است که این احادیث می‌توانند به‌عنوان اصل و منبع روایاتی که در کتب متأخر درج‌شده در نظر گرفته شوند و ما از این طریق بتوانیم، بسیاری از تحریف‌ها و تصحیف‌ها را در روایات موجود در آثار متأخر تصحیح و اصلاح نماییم.

مباحث ارزشمندی که مرحوم ابن‌بابویه در مقدمه کتاب با روشی مستحکم درباره موضوع غیبت بیان می‌دارد، در شناخت ما نسبت به موضوع «غیبت» تأثیری عمیق نهاده است و این موضوع اهمیت اثر حاضر را مضاعف می‌سازد.

#### مباحث محتوایی کتاب

کتاب «الإمامة و التبصرة من الحيرة» که در بعضی از منابع «الامامة و البصيرة من الحيرة» نیز نامیده شده است<sup>۱</sup> اثری است، که به موضوع امامت به نحو عام و به موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام به‌طور ویژه پرداخته است. البته مباحثی که درباره امامت به نحو عام در این اثر آمده مباحثی است که با امر غیبت و شئون آن مرتبط است نه مباحث اصل امامت، از این‌رو، روی سخن در این اثر با کسانی است که به «امامت» به‌عنوان اصلی از اصول مذهب باور دارند ولیکن در تشخیص هر امامی پس از امام دیگر با اختلاف نظر روبرو هستند.

این معنا از عناوین ابواب کتاب به‌خوبی پیداست. خط سیری که در ابواب کتاب دنبال می‌شود اتصال سلسله امامت از زمان حضرت آدم علیه‌السلام و خالی نبودن زمین از امام و حجت خدا (چه ظاهر و چه غائب) و نیز انحصار امامت در خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس نصوص وارده است. مؤلف در ابواب ۶ تا ۱۷ کتاب حاضر به نقد دیدگاه‌های کسانی می‌پردازد که از امامت ائمه اثناعشر روی گردانده و به امامت کسانی دیگر از این خاندان معتقد شده و یا اینکه در یکی از ایشان متوقف گشته‌اند. در برخی دیگر از ابواب کتاب با اعتقاد فرقه‌هایی از شیعه که به انکار امامت برخی امامان دوازده‌گانه و یا شک در امامت ایشان گردیده و یا کسی را با امام در امر امامت شریک ساخته‌اند، به معارضه و مبارزه پرداخته است.

۱. طوسی، الفهرست، ص ۱۱۹.

در خصوص موضوع «غیبت» مؤلف کتاب دست به نوآوری زده است چراکه میان روش محدثان مبتنی بر اعتماد بر نصوص اعتماد و روش اهل کلام که به بحث عقلی - نقلی ملتزم‌اند، گردآورده است. از این رو وی در مقدمه کتاب تمام فرضیات و شبهات را به روش متکلمان مورد بررسی قرار داده سپس نتایج به دست آمده را برای رسیدن به محتوای نصوص به کار می‌گیرد. از سویی چنان محدثی محض به بررسی حدیث از جوانب مختلف پرداخته تا سرانجام به نتایج مورد نظر بر اساس تعبد و انقیاد به سنت شریف معصومان علیهم السلام دست یابد.

ترتیبی که ایشان در مطرح کردن مباحث به کار بردند، قابل توجه است. ایشان به جای اینکه مستقیم وارد حیطه مهدویت شوند، مبانی بحث امامت را مطرح کردند. ضرورت امامت در هر زمان را ثابت کردند و بعد در مبحث امامت خاصه وارد شدند و به این ترتیب زمینه را برای نجات بخشی مؤمنین از گرفتاری «حیرت» فراهم آوردند. علاوه بر این در مقدمه گران قدر این کتاب، بسیاری از شبهات را پاسخ دادند. به ویژه تعارض ظاهری در روایات مهدویت را برطرف کردند و علل انتظار را حکیمانه ذکر نمودند.

مع الأسف اثر حاضر دچار نقص و کاستی شده و بخشی که مرتبط با موضوع بحث یعنی امام مهدی علیه السلام و غیبت ایشان است در دسترس نیست. خوشبختانه آن مقدار که از آن باقی مانده خط سیر بحث را به نحو کلی برای ما ترسیم می‌نماید و هدف اصلی مؤلف را از نگارش آن بیان می‌دارد. این نقص و کاستی توسط محقق اثر، با توجه به همان سیر بحث که مؤلف ترسیم نموده است، جبران گردیده و ایشان در رابطه با موضوع اصلی کتاب مطالبی نگاشته‌اند.<sup>۱</sup> در این تحقیق ما هم به پیروی از ترتیب کتاب، مباحث را در چهار عنوان به طور خلاصه گزارش می‌نمایم:

۱- ضرورت وجود امام.

۲- مهدویت و غیبت.

۳- فلسفه انتظار.

۴- پاسخ گویی به شبهات غیبت.

۱. ابن بابویه، الامامة و التبصرة من الحيرة، مقدمه محقق، ص ۱۰۴ - ۱۲۸.

## ۱- ضرورت وجود امام

امامت نزد شیعه جزء اصول دین بوده در ردیف توحید، نبوت و معاد قرار دارد و از نظر ضرورت وجودی همان دلایلی که بر ضرورت وجود نبی اقامه شده است، به ضرورت وجود امام هم دلالت می‌کند. پس از پیامبر خاتم باب نبوت و نزول وحی بسته شد و با اکمال دین، مسئولیت پاسداری از آن و انتقال صحیح آن به نسل‌های بعدی و رهایی از فتنه‌ها و گمراهی‌ها، با امامت استمرار یافت. ضرورت وجود امام، مخصوص زمانی خاص نیست بلکه بشر در تمام قرون و اعصار محتاج حجت الهی است. خواه آن حجت پیامبر باشد یا امام، این ضرورت پس از رحلت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بیشتر احساس می‌شود چون دیگر پیامبری نخواهد آمد.<sup>۱</sup>

احادیثی که مؤلف جمع‌آوری کرده تحت عناوینی قرار می‌گیرد که در حقیقت دلایل ضرورت وجود امام محسوب می‌شود و آنها را می‌توان در مباحث کلی ذیل آورد:

الف: شناخت دین در پرتو امامت؛ ب: امام مانع تحریف دین؛ ج: انحصار اصلاح امت از طریق امامت؛ د: امامت تنها راه رسیدن به سعادت؛ هـ: ضرورت تکوینی وجود امام.

بنابراین ضرورت وجود امامت جهت کارکردهای زیر است:

### الف: شناخت دین در پرتو امامت

معرفت و شناخت دین مخصوص به زمانی خاص نیست و در هر زمانی یک مسئله حیاتی و مبتلابه است، سیر تکامل بشر مبتنی بر همین شناخت دین است لذا بعد از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هم باید کسانی باشند که ادامه‌دهنده همان راه باشند و مثل پیامبر یک رابطه خاص با خداوند سبحان داشته باشند. حدیث زیر این مطالب را به ما می‌فهماند:

عن ابی عبدالله علیه السلام «... فَإِنِّي لَنْ أَدْعَ الْأَرْضَ بَغَيْرِ عَالِمٍ يَعْرِفُ بِهِ طَاعَتِي وَ دِينِي، وَ يَكُونُ نَجَاةً لِمَنْ أَطَاعَهُ»<sup>۲</sup>؛

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عالم به حضرت آدم می‌گوید من هرگز

<sup>۱</sup>. طاهری، حبیب‌الله، تحقیقی پیرامون امامت عامه و خاصه، ص ۲۷.

<sup>۲</sup>. ابن بابویه، الامامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱۵۸.

زمین را بدون عالمی نمی‌گذارم که به وسیله آن عالم اطاعت و دین من شناخته شود و او برای اطاعت پذیران مایه نجات باشد.

حدیث دیگری هم تقریباً به همین مضمون اشاره می‌کند: از ابو عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد تا ایشان را از طرف خدا اخبار کند پس جبرئیل به پیامبر گفت ای محمد صلی الله علیه و آله من زمین را رها نکردم مگر اینکه آنجا یک عالمی باشد که اطاعت و هدایت من را می‌شناسد... و من ابلیس را نمی‌گذارم که مردم را گمراه کند در حالی که نه حاجتی از طرف من باشد، نه کسی که به راه من دعوت کند.<sup>۱</sup>

#### ب) امام مانع تحریف دین

حفاظت و حراست از دین حق و جلوگیری از تحریف امری است که بدون یک مرشد و راهنما، امکان‌پذیر نیست. آن راهنمای که با وحی تأیید گردد و ما را به سرمنزل مقصود می‌رساند، حجت و بینة الهی را نگه‌داری می‌کند. ائمه علیهم السلام در طول حیات خود همین نقش را ایفا کردند و نگذاشتند شیرازه اعتدال دین از بین برود.

عن ابی عبدالله علیه السلام: «ان الله لم يدع الارض إلا وفيها عالم يعلم الزيادة و النقصان فإذا زاد المؤمنون ردهم، و إن نقصوا أكملهم لهم، فقال: خذوه كاملاً، و لو لا ذلك لالتبس على المؤمنين أمرهم، و لم يفرق بين الحق و الباطل»<sup>۲</sup>

خداوند عالم زمین را رها نکرد مگر این که یک عالمی آن‌جا است که زائد و نقص را می‌شناسد، پس وقتی مؤمنین چیزی را اضافه می‌کنند، آن عالم آن چیز زائد را به آن‌ها برمی‌گرداند و اگر مؤمنین چیزی را از دین کم کنند، آن وقت آن عالم دین را کامل می‌کند و به مردم می‌گوید: «این دین را به کمال و تمام بگیرید» و اگر این‌طور نبود مؤمنین در امر خودشان گرفتار مشکل می‌شدند و حق از باطل دیگر شناخته نمی‌شد.

#### ج) انحصار اصلاح امت از راه امامت

امامت آن ثقل اکبری است که هدایت مردم روی زمین مشروط به شناخت و پیروی آن است بلکه بنا بر مضمون بعضی از روایات وجود زمین مشروط به

۱. همان، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲. همان، ص ۱۶۱.

وجود مبارک امام است. طبق معتقدات شیعه در هر زمان وجود یک امام و هادی واجب است و بدون وجود آن خلقت معنی و مقصود خود را از دست می‌دهد، وصف آن هادی این است که منشور هدایت را یا از خدا یا از نماینده خدا گرفته لذا هدایت و اصلاح امت منحصر به او است. احادیث ذیل به همین مطلب می‌پردازد:

۱- عن ابی عبدالله علیه السلام، «قال: الارض لتكون الا و فیها عالم یصلحهم و لایصلح الناس الا ذلک<sup>۱</sup>»؛ از ابو عبدالله علیه السلام روایت شده که ایشان فرمودند: زمین بدون یک عالم دوام پیدا نمی‌کند عالمی که مردم روی زمین را اصلاح می‌کند و بدون او مردم اصلاح نخواهند شد.

۲- عن ابی عبدالله علیه السلام، قال: «لایصلح الناس الا بإمامهم و لاتصلح الارض الا بذلک<sup>۲</sup>»؛ از ابو عبدالله روایت شده که ایشان فرمودند: اصلاح مردم فقط به واسطه امامشان امکان‌پذیر است و زمین بدون وجود امام اصلاح نخواهد شد (پس از فساد می‌شود).

اصلاح امت هر دو عرصه علم و عمل را شامل می‌شود. یک امام که عالم به حقایق است، نشان‌دهنده کجی‌ها و نقیصه‌ها در زندگی بشر است. فرایند فکر و عمل در دست اوست، وقتی مردم دچار کج روی می‌شوند، چیزی را در دین اضافه می‌کنند یا از متن دین کم می‌کنند. این تنها وجود امام و هادی است که نقیصه‌ها را جبران می‌کند و روند زیاده‌خواهی‌ها را متوقف می‌کند.

#### (د) امامت تنها راه رسیدن به سعادت

مودت اهل بیت که در قرآن مجید اجر رسالت قرار داده شده فلسفه‌اش همین است که آن‌ها تنها راه وصول به راه هدایت و در نتیجه سعادت هستند، در این زمینه احادیثی نقل شده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- قال رسول الله صلی الله علیه و آله «من سره ان یحیا حیاتى و یموت میتتى... فلیتول علی بن ابی طالب علیه السلام و الاوصیاء من ذریتی انهم الائمة من بعدى<sup>۳</sup>»؛ پیغمبر فرمودند: اگر کسی دوست دارد مثل من زندگی کند و مثل من بمیرد... پس ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و اوصیاء او را داشته باشد، زیرا آنان بعد از من امامان هستند...

۱. همان، ص ۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳. همان، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.



مثل پیغمبر «زندگی کردن» و «مردن» به ما می‌رساند که اهل بیت علیهم‌السلام وارث سیره و علم پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند و سیره پیغمبر تنها راه رسیدن به خدا است و رسیدن به این راه، فلسفه مودت و پیروی ائمه علیهم‌السلام است.

۲- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ... فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا عليه‌السلام وَيُعَادِ عَدُوَّهُ وَيَأْتِمَّ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ...»؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: کسی که می‌خواهد مثل من زندگی کند و مانند من بمیرد و در بهشت عدن وارد شود... پس با علی عليه‌السلام تولا بجوید و با دشمنانش، دشمنی کند و به اوصیائی که بعد از ایشان هستند اقتداء کند...

۳- «قَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاةً تُشْبِهُ حَيَاةَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَمُوتَ مِيتَةً تُشْبِهُ مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَيَسْكُنَ الْجَنَّةَ الَّتِي غَرَسَهَا الرَّحْمَنُ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَيُؤَالَ وَلِيَّهُ وَيُقْتَدِ بِالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ...»؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: اگر کسی بخواهد مانند انبیاء زندگی کند، مانند شهدا بمیرد و در باغ‌هایی که خداوند آماده کرده، سکونت داشته باشد، باید ولایت علی عليه‌السلام را داشته باشد و... و از ائمه بعد از ایشان پیروی کند.

نکته مشترک بین این سه روایت این است که تکامل و سعادت متوقف و مترتب بر مودت و ولایت ائمه علیهم‌السلام است.

#### هـ) ضرورت تکوینی وجود امام

بعضی از آیات قرآنی تصریح می‌کند که بار امانت الهی را فقط انسان پذیرفت<sup>۱</sup>، تفاسیر به ما می‌گوید که این امانت امامت و ولایت الهیه بود که ولایت بر کون و وجود را در برمی‌گیرد. فقط انسان توانست این را حمل کند که منظور از انسان قطعاً رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و چون ائمه علیهم‌السلام وارث حقیقی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند لذا آنان هم باید دارای این خصوصیت باشند؛ و این مطلب در بعضی از احادیث کتاب مورد نظر ما موج می‌زند.

۱- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَأَ»؛ راوی می‌گوید من از امام صادق عليه‌السلام سؤال کردم: آیا زمین بدون امام یک روز می‌تواند دوام بیاورد؟ امام پاسخ دادند: خیر.

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. (احزاب: ۷۲).

۴. ابن بابویه قمی، الامامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱۵۹.

۲- قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ «تَبَقِيَ الْأَرْضُ بَعِيرٍ إِمَامٍ؟ قَالَ لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بَعِيرٍ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»<sup>۱</sup>

روای می گوید من از ابی عبدالله پرسیدم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ امام در پاسخ فرمودند: اگر زمین بدون امام بماند از بین می رود.

۴- عن ابی جعفر علیه السلام «قال: لاتبقى الارض بغير امام، ظاهر او باطن»؛ ابو جعفر علیه السلام فرمودند: زمین بدون امام چه آشکار باشد یا پنهان، باقی نمی ماند.

## ۲- مهدویت و غیبت

ظهور مصلح و منجی عالم در آخرالزمان یک حقیقت مسلم و پذیرفته شده بین ادیان ابراهیمی بلکه بین همه ادیان است. مؤمنان همه چشم به راه آمدن آن جلوه صفات الهی دوخته اند و از ژرفای وجود در صف های انتظار ایستاده اند چراکه، موعد تحقق آرمان های فرستادگان خدا و هنگام ذلت و نابودی مستکبران است و از آنجاکه اسلام خاتم ادیان الهی است و ناسخ همه شرایع، پس لابد این منجی بشریت هم متعلق به همین دین است و به خاطر همین در منابع دینی ما این موضوع با اهتمام ویژه ای مطرح شده است و همه مذاهب اسلامی نه فقط در مفهوم این موضوع بلکه در مصداق این موضوع هم تقریباً اجماع دارند و علاوه بر این اکثریت قاطع علماء مسلمین در این مورد بر چند مطالب دیگر هم اتفاق نظر دارند:

(۱) ایمان به عقیده مهدی علیه السلام از ضروریات است.

(۲) مهدی دوازدهم خلفا و پیشوایانی است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مکرراً از آنان پیش گوئی کرده.

(۳) دنیایی پر از ظلم و جور را با عدل و قسط پر می کند.

مکتب و مذهب شیعه اثناعشری در این قضیه هم مثل بسیار قضایای دیگر افقها را روشن کرده است و در واقع فلسفه این عقیده آفاقیه از راه تعالیم و آموزه های اهل بیت علیهم السلام تجلی و تحقق پیدا می کند.

در این میان مسئله ای که به اصطلاح مشکل ساز شد همین طول مدت غیبت بود؛ زیرا هم بهانه شد برای افراد مغرض و هم بعضی از هم کیشان پیروان اهل بیت علیهم السلام در این مورد دچار حیرت و سردرگمی شدند و مؤلف فقیه و خبیر

۱. همان، ص ۱۶۱.

علی ابن بابویه رحمته الله در مقدمه خود بر کتاب موردنظر ما این حیرت و سردرگمی را متذکر شده‌اند و گفته‌اند: «و رأیت کثیرا ممن صح عقده و ثبتت علی دین الله و طأته و ظهرت فی الله خشیته، قد أحادته الغیبة و طال علیه الامد حتی دخلته الوحشة و أفکرته الاخبار المختلفة و الآثار الواردة»<sup>۱</sup>

عده‌ی زیادی را دیدم که عقیده‌ی صحیح دارند و بر دین خدا ثابت قدم هستند، خشوع آن‌ها در مقابل خدا ظاهر است و با این وصف، غیبت آن‌ها را دچار حیرت کرده است، مدت در نظر آنان طولانی شده است و حتی این امر آن‌ها را در وحشت انداخته و اخبار و آثار گوناگون در این مورد آن‌ها را وادار به فکر (شک) کرده است.

ولی با توجه به این که کتاب ناقص به دست ما رسیده و خیلی از ابواب که مرتبط با این موضوع است از کتاب ساقط شده، ناچاریم به چند حدیث اکتفا کنیم و مباحث مطرح شده در این احادیث را تبیین کنیم.

این احادیث را می‌توان تحت عناوین کلی‌تر زیر دسته‌بندی نمود:  
 ۱- نقش امام عصر در آخرالزمان ۲- انتظار فرج و وظایف منتظران ۳- نقش اعمال در تعجیل فرج.

### (۱) نقش امام عصر در آخرالزمان

همه مذاهب اسلامی اتفاق و اجماع دارند بر این که در آخرالزمان امام مهدی نقش بنیادین و اصیل را ایفا می‌کنند. نقشی که نه کسی قبل از ایشان و نه کسی بعد از ایشان ایفاء خواهد کرد و همه قبول دارند که آن نقش برپایی عدالت جهانی به معنای واقعی کلمه است. مؤلف کتاب احادیث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در باب النوادر که آخرین باب کتاب است، آورده‌اند. حدیث اول این باب مضمون و مطلب بالا را به صورت تمام تبیین می‌کند:

«قال علی رضی الله عنه لرسول الله صلی الله علیه و آله: یا رسول الله، أمتنا الهداة؟ أو من غیرنا؟ قال: بل من الهداة إلى يوم القيامة، بنا استنقذهم الله من ضلالة الشرك و بنا استنقذهم الله من ضلالة الفتنه و بنا یصبحون إخوانا بعد ضلالة الفتنه، کما أصبحوا إخوانا بعد ضلالة الشرك و بنا یختم الله، کما بنا فتح الله»<sup>۲</sup>؛ علی رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند ای رسول خدا هدایت‌کنندگان از ما هستند یا از غیر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله

<sup>۱</sup>. همان، ص ۱۴۲.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۲۳۳.

پاسخ دادند: هدایت‌کنندگان تا روز قیامت از میان ما برمی‌خیزند. خدا مردم را به‌واسطه ما از گمراهی شرک نجات داد و به‌واسطه ما از گمراهی فتنه نجات خواهد داد و همان‌طوری که مردم بعد از گمراهی شرک باهم برادر شدند، بعد از گمراهی فتنه هم بین آن‌ها برادری برقرار می‌شود و همان‌طوری که خدای سبحان توسط ما شروع کرد به‌واسطه ما هم ختم می‌کند.

این حدیث به‌وضوح نمایانگر نقش ائمه علیهم السلام در نجات بخشی امت اسلامی از فتنه با در نظر گرفتن مفهوم عام فتنه است. در این بین نقش امام مهدی علیه السلام در یک فتنه عظیم، مورد اهتمام خاص قرار گرفته است، فتنه‌ای که تصویر و ترسیمش در قالب الفاظ هم خیلی مخوف است. عظمت نقش امام عصر علیه السلام زمانی بیشتر آشکار می‌شود که ابعاد آن فتنه بزرگ مورد بررسی قرار گیرد و دورنمای از آن ترسیم گردد و مؤمنین حقیقی از این غریبال فتنه بیرون می‌آیند و نقش بسزایی در تحقق بخشیدن به آرمان عدالت انسانی، زیر سایه رهبری امام ایفاء می‌کنند. در این فتنه باطل با همه‌ی قوا و نیروهای خود وارد صحنه درگیری با حق می‌شود و از به کار بردن هیچ حربیه علیه حق دریغ نمی‌کند. مکر، حيله، تقلب و دورویی شاخص‌های بارز این فتنه است. در روایات این فتنه را فتنه کبرا نامیده‌اند، عقاید حقه و ارزش‌های اخلاقی و انسانی، هدف حمله قرار داده می‌شوند، ولی با حيله، خدعه و نیرنگ؛ طوری که جمع کثیری از مردم در این دام مکر می‌افتند. بعضی از روایات در مورد این فتنه می‌گویند که اگر از یک طرف کوبیده شود از طرف دیگر سر بیرون می‌آورد، در این هنگام است که آن ماه دل آراء یوسف زهرا علیها السلام از پشت ابرهای غیبت بیرون می‌آید و با نشان دادن قهر و جبروت خود همه فتنه‌ها را سرکوب می‌کند. به مردم جهان، اسلام واقعی را نشان می‌دهد و در سراسر عالم عدالت اجتماعی را اقامه می‌کند... «بنا یصبحون إخوانا بعد ضلالة الفتنه»<sup>۲</sup>.

## ۲) انتظار فرج و وظایف منتظران

انتظار مفهومی است که از بدو غیبت در ساختار اندیشه مذهبی و سیاسی شیعه مدخلیت داشته است. تاریخ قرون متمادی گواه بر این مطلب است. این

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن، ص ۳۴-۴۰.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۴۲.

مفهوم غیر از مذهبی بودن جنبه فرهنگی و ارزشی هم دارد و در تعالیم و آموزه‌های دینی ما جایگاه ویژه‌ای دارد، چنان‌چه ما می‌بینیم که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام از قبل به این موضوع پرداخته‌اند و اهمیت خاصی داده‌اند، گویا زمینه را برای این پدیده حماسه‌آفرین آماده می‌کردند. در نقلی از امام موسی بن جعفر علیهم‌السلام در مورد فرج به علی ابن مهزیار این‌گونه می‌فرمایند: «اذا غاب صاحبکم عن دارالظالمین فتوقعو الفرج<sup>۱</sup>؛ وقتی صاحب شما از دار ظالمین غیبت اختیار کند پس در انتظار فرج باشید.

درواقع این دوران ابتدا مؤمنین است. از مفهوم بعضی از روایات ما به این حقیقت می‌رسیم که خداوند می‌خواهد از غربال این غیبت و فرقت، مؤمنین خالص و یاران واقعی صاحب امر ﷺ را بیرون بیاورد تا آن نهضت انبیاء به ثمر برسد و انسان تشنه عدل و داد آرمان خود را در حال تحقق ببیند. مؤمنین از هر جهت در این زمان امتحان و آزمون می‌شوند؛ و از عبارت «فتوقعو الفرج» این‌گونه برداشت می‌شود که انتظار یک امر پویاست و نیاز به آمادگی دارد، انتظار فرج نیازمند بیداری و توجه است، نه بی‌عملی و بی‌مسئولیتی<sup>۲</sup>.

بنابراین اولین وظیفه منتظران دوری از غفلت و بیداری و هوشیاری و شناخت و آگاهی کامل است و گرنه حیرت و سرگردانی ما را فشل و بی‌خاصیت خواهد ساخت شناخت صحیح است که ما را در انبوه مصیبت‌ها و مشکلات مثل کوه ثابت و پایدار نگه می‌دارد، باور و شناخت ما را از عجله و استعجال در امر انتظار مصون می‌دارد: «هَلِكُ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ...»<sup>۳</sup>

### ۳) نقش اعمال در تعجیل فرج

در باب النوادر کتاب الامامة و التبصرة روایتی از جود مبارک امام صادق علیهم‌السلام نقل شده که نشان‌دهنده نقش عمل بندگان در تعجیل و تأخیر فرج است، حضرت ۱۴۹ می‌فرمایند:

«كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ نَبِيٌّ وَعَدَّهُ اللَّهُ أَنْ يَنْصُرَهُ إِلَى خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً فَأَخْبَرَ بِذَلِكَ

۱. ابن بابویه قمی، الامامة و التبصرة من الحيرة، ص ۲۳۴؛ مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، ص ۲۷۰.

۲. رک: محمدی، مریم، انتظار و وظایف منتظران، ص ۱۲۲-۱۲۹.

۳. ابن بابویه قمی، الامامة و التبصرة من الحيرة، ص ۲۳۶؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

قَوْمَهُ فَقَالُوا وَاللَّهِ إِذَا كَانَ لِيَفْعَلَنَّ وَيَفْعَلَنَّ فَأَخْرَهُ اللَّهُ إِلَى خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً وَكَانَ فِيهِمْ مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ النُّصْرَةَ إِلَى خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً فَأَخْبَرَ بِذَلِكَ النَّبِيُّ قَوْمَهُ فَقَالُوا مَا شَاءَ اللَّهُ فَعَجَلَهُ اللَّهُ لَهُمْ فِي خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً<sup>۱</sup>؛ در میان بنی اسرائیل پیامبری بود که خدا به او وعده داد که در مدت پانزده شب نصرت شامل حال او می‌شود، او این خبر را به قوم خود رساند و آنان گفتند: اگر این‌گونه باشد خداوند حتماً به وعده خود عمل می‌کند، برای همین خداوند پانزده سال این کار را به تأخیر انداخت، ولی به پیامبر دیگری خداوند در مدت پانزده سال وعده نصرت داده بود و او این خبر را به قوم خود داد و آنان در پاسخ گفتند «هر چه خدا بخواهد» و در نتیجه خدا در پانزده شب نصرت را شامل حال آنان کرد.

روایت مذکور حکایت از دو گروه در بنی اسرائیل می‌کند، یکی قومی که خیلی زود نصرت الهی نصیب آنان شد، ولی آنان با زیاده‌خواهی و کفران و به عبارت دیگر با بدعملی خود مانع از این رحمت الهی شدند و در نتیجه این فرج برای آنان پانزده سال به تأخیر افتاد. قوم دیگر با شکر و صبر و امید برخورد کردند و خدا فقط ظرف پانزده شب به آنان مزه‌ی فرج را چشانند.

لذا اگر ما شب و روز خود را در سستی، بی‌کاری، تن‌پروری و بی‌عملی بگذرانیم، مدت فراق هم تمدید می‌شود و حیرت و سرگردانی ما هم افزوده خواهد شد ولی اگر از فرصت انتظار نهایت استفاده را ببریم، جایگاه خود در آینده عالم را شناخته‌ایم و در تحقق امر ظهور کمک نموده و وعده الهی محقق خواهد شد.

### ۳- فلسفه انتظار

مؤلف دانشمند چنان‌که گذشت در این کتاب طی مباحث غیبت دو اسلوب را مراعات کرده است، یک اسلوب محدثان که همان ارتکاز بر نصوص است و این اسلوب در عصر مؤلف رایج بود. اسلوب دیگری که مؤلف در مقدمه کتاب از آن استفاده کرده، روش اهل کلام است، اسلوبی که مقید به نصوص نیست و در تحلیل و پاسخ‌گویی به شبهات از استدلال‌های عقلی نیز بهره می‌گیرد، در این روش مؤلف جنبه اجتماعی غیبت یعنی انتظار را مورد بررسی عقلی قرار داده

۱. ابن بابویه قمی، الامامة و التبصرة من الحيرة، ص ۲۳۵.

است و از اسرار و علل انتظار پرده برداشته می‌فرماید:  
ولكن الله (جل اسمه) جعله أمرا منتظرا في كل حين، وحالا مرجوة عند كل أهل عصر:

- ۱- لئلا تقسو - بطول أجل يضربه الله - قلوب.
  - ۲- ويستبطأ في استعمال سيئة وفاحشة، موعدة عقاب.
  - ۳- وليكون كل عامل على اهبة.
  - ۴- ويكون من وراء أعمال الخيرات أمنية، ومن وراء أهل الخطايا والسيئات خشية وردعة.
  - ۵- وليدفع الله بعضا ببعض<sup>۱</sup>.
- لكن خدا که اسمش بزرگ است (با عدم اعلام زمان ظهور) این امر (ظهور و فرج) را در هر زمان امری مورد انتظار و حالتی مورد امید قرار داده است. حکمت این کار این است که:
- ۱- دل‌ها گرفتار قساوت نشوند به خاطر طول مدتی که خدا قرار داده.
  - ۲- ظالمان در انجام دادن سیئه و گناه آشکار نسبت به وقت عقاب بی‌خیال نشوند.
  - ۳- هر عمل‌کننده‌ای در حال آماده‌باش باشد.
  - ۴- اعمال خیر پشتوانه امید داشته باشند و اهل خطا و گناه با خوف و خشیت روبرو باشند.
  - ۵- و خدا شر بعضی را به واسطه بعضی دور کند.
- این پنج علت را مؤلف برای غیبت ذکر کرده و این‌ها را به‌عنوان اسرار انتظار هم می‌شود مطرح کرد.

در این کتاب گران‌قدر شبهاتی که در زمان مؤلف بیشتر جلب توجه می‌کرده است مطرح شده و درصدد پاسخ به آن‌ها برآمده است، این شبهات غالباً در مورد اختلاف روایات جریان دارد و بیشترین سرگردانی را برای شیعیان پدید آورده بود و از آن جای که در زمان غیبت دسترسی به امام به‌طور مستقیم وجود نداشت،

۱. همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

این سرگردانی دوچندان می‌شد.  
 از جمله شبهاتی که در این کتاب به آن‌ها پاسخ داده شده است، می‌توان به  
 عناوین زیر اشاره کرد:  
 علت اختلاف روایات.  
 تعداد ائمه و نصوص وارده در این زمینه.  
 وقت ظهور و تعیین وقت.  
 طول عمر و طولانی شدن زمان غیبت.  
 سن امام هنگام ظهور.

### نتیجه

«الإمامة و التبصرة من الحيرة» اثری از ابوالحسن علی بن الحسین بن بابویه  
 القمی معروف به صدوق اول، که به موضوع امامت به نحو عام و به موضوع  
 غیبت امام مهدی علیه السلام به طور ویژه پرداخته است. خط سیری که در این ابواب  
 دنبال می‌شود اتصال سلسله امامت از زمان حضرت آدم علیه السلام و خالی نبودن زمین  
 از امام و حجت خدا (چه حاضر و چه غائب) و نیز انحصار امامت در خاندان  
 محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، بر اساس نصوص وارده است.  
 نتایجی را که مؤلف محترم در پی تثبیت آن است، می‌توان در موارد ذیل  
 خلاصه نمود:

هیچ زمان و مکان از حجت خدا خالی نیست حتی که امور تکوینی و  
 تشریحی، اصلاح امت، نیل به سعادت و شناخت دین وابسته به وجود اوست.  
 امام مهدی علیه السلام به امر الهی غایب شدند و این امر باعث سردرگمی و حیرت  
 مؤمنین شد.

طولانی شدن غیبت او نباید ما را از وظایف خود دور کند که این انتظار بدون  
 مصلحت و حکمت نیست.

انتظار با عمل منافات ندارد و به معنای بی‌کاری و تعطیل نیست.  
 اختلاف و تعارض در روایات مهدویت حل شدنی و فهمیدنی است.



## فهرست منابع

### قرآن کریم.

- ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن، گلبهار، ۱۳۴۷ ش.
- پور سیدآقای، مسعود، درسنامه تاریخ عصر غیبت، مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، قم ۱۳۷۹ ش.
- ابن بابویه قمی، علی بن محمد، الامامة و التبصرة من الحيرة، تحقیق سید محمدرضا حسینی، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت ۱۴۱۲ هـ.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، علل الشرايع، انتشارات انديشه مولانا، ۱۳۸۸ ش.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمالالدين و تمام النعمة، انتشارات اسلامیة تهران ۱۳۵۳ ش.
- صغیر جلالالدين علی، الولاية التكوينية الحق الطبيعي للمعصوم، دار الاعراف للدراسات، بیروت، ۱۴۱۸ هـ.
- طاهری، حبیبالله، تحقیقی پیرامون امامت عامه و خاصه، انتشارات آستانه مقدسه، قم، ۱۳۸۱ ش.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، ستاره، قم، ۱۴۲۰ ق، چاپ اول.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الغيبة، مكتبة بصيرتي، ۱۳۴۳ ش.
- کلینی، محمد یعقوب، الکافی، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم.
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصية، قم، ۱۴۲۶ / ۱۳۸۴، چاپ سوم.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، قم، ۱۳۶۵ ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ هـ.